



تفسیر آیات مشکل

درس ۲۲

نور آسمانها و زمین

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

در قرآن مجید خداوند متعال برای فهم بهتر بشر، مفاهیم ماورائی را به صورت مثل‌هایی محسوس درآورده، تا انسانی که با عالم ماده سر و کار دارد، به خوبی درک کند و به مراد خداوند در قرآن که فرمود: «ولقد یسرنا القرآن للذکر» نائل آید. این مثل‌ها برای مردم که فهم مطلب عمیق را آسان می‌سازد و معقول را همچون محسوس می‌کند، ناشی از علم گسترده خداوند است. یکی از این مثل‌ها که مربوط به خداوند متعال است، آیه نور است که خداوند خود را به نور آسمان‌ها و زمین مثال زده. از این رو درصددیم در این درس به بیان این مثل و به مراد خداوند از ذکر آن آگاهی پیدا کنیم.

محتوای آموزشی

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». (نور، ۳۵)

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی می‌باشد. آن چراغ در بلوری است و آن بلور گویا ستاره‌ای فروزان است، که از درختی پربرکت زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغن آن بدرخشد، هرچند که به آن آتشی نرسد، نوری بالای نوری، خداوند هرکس را که بخواهد به سوی نور خود هدایت می‌کند، و خدا برای مردم این مثل‌ها را می‌زند و خدا به هر چیزی آگاه است.

لغت و اعراب

۱. «مشکوه» چراغدان، محلی در دیوار خانه که چراغ در آن جا قرار می‌دادند. گفته می‌شود که این کلمه یک واژه حبشی است که معرب شده است. «مشکوه» از نظر رسم الخط در ردیف کلماتی چون «صلوة»، «زکوة»، «حیوة» و مانند آن‌هاست که در مصحف با واو نوشته می‌شود.

۲. «زجاجه» آبگینه، بلور، شیشه، قندیل.

۳. وجود الف و لام در «المصباح» و «الزجاجه» که برای عهد است، به جای ضمیر ربط عمل می‌کند.

۴. «دری» فروزان، درخشان، همانند در. این کلمه یا منسوب به در است، که یکی از احجار کریمه درخشان است و یا از «درء» مشتق شده است که به معنای دفع است و منظور این است که تاریکی را برطرف می‌سازد.

۵. «زیتونه» بدل یا عطف بیان از شجره است و تاء آن برای وحدت است، مانند شجر و شجره.

تفسیر

نور مطلق و نور مضاف

این آیه که به آیه نور معروف است، از فاخرترین آیات قرآنی است. در این آیه خداوند به عنوان نور آسمانها و زمین معرفی شده است. نور یکی از اسماء الله است و در چند روایت معتبر وارد شده است. در این روایات که از رسول خدا نقل شده، برای خداوند نود و نه اسم معرفی شده که یکی از آنها نور می باشد.^۱

نور را چنین تعریف کرده اند: آنچه به خودی خود آشکار است و باعث آشکار شدن غیر خود است (الظاهر فی نفسه و المظهر لغيره) و این، صفت برجسته واجب الوجود است.

در عین حال در این آیه شریفه کلمه نور به عنوان یکی از اسماء الله به کار برده نشده، چون نور در این آیه اضافه شده به سماوات و ارض، و از آن مهم تر بار دوم اضافه شده به ضمیری که به خدا برمی گردد. آنچه یکی از اسماء الله است، نور مطلق و بدون اضافه است، به خصوص این که در اضافه دوم، یعنی در «مثل نوره» اضافه الشیء الی نفسه لازم می آید، که باطل است.

بنابراین، باید نور را در این آیه به عنوان یکی از صفات افعال خداوند مانند خالق و رازق بدانیم، چون صفات افعال اضافه پذیرند و می توانیم بگوییم: خداوند (خالق السماوات و الارض و یا رازق الناس) است.

در این صورت باید نور را در این آیه طوری معنا کنیم که مربوط به صفت فعل باشد، مانند این که بگوییم نور در این جا به معنای هدایت یا هدایتگری و یا روشنی بخشی است. در این صورت معنای آیه شریفه چنین می شود که خداوند هدایتگر آسمانها و زمین است و این صفت، صفتی متفاوت با صفت آفرینندگی است، یعنی خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید، آنها را به سوی آنچه شایستگی آن را دارند هدایت کرد، نظیر:

«قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰)

(موسی) گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش آن را داد، سپس هدایت کرد.

«سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى. الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى» (اعلی، ۱-۳)

نام پروردگارت را تنزیه کن، آن که آفرید و سامان بخشید و آن که اندازه کرد و هدایت نمود.

باتوجه به این معنا، می توان وجود پیامبر اسلام و یا قرآن و یا معصومین را مظهر این صفت فعلی خداوند دانست؛ یعنی اینها هم همان خاصیت هدایتگری را دارند؛ لذا در قرآن در موارد متعددی از وجود پیامبر به عنوان نور یاد شده، هم چنین در چندین روایت از معصومین (علیهم السلام) نور در این آیه شریفه به معنای هادی آمده است. امام

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۹۵ و ۲۲۰.

رضا(علیه‌السلام) در تفسیر آیه «الله نور السماوات و الارض» فرمود: هدایت کننده اهل آسمان‌ها و زمین است.^۱ هم‌چنین در روایات متعددی، «نور»، «مشکوئه»، «زجاجه» و «مصباح» با وجود پیامبر، فاطمه، علی، حسن و حسین(علیه‌السلام) و علم آنان تأویل و یا تطبیق داده شده، که بیانگر همان معنای هدایتگری و از باب جری و تطبیق و یا تمثّل است.^۲

تمثیلی برای نور مضاف الهی

در ادامه آیه برای نشان دادن ارزش و اعتبار این نور الهی، تمثیلی را بیان می‌کند. توجه کنیم که ذات خداوند مثل و نظیر ندارد، بلکه منظور بیان مثل و صفت است و مهم‌تر این‌که این مثل، مثلی برای ذات او نیست، بلکه مثلی برای یک صفت فعلی اوست، که همان هدایتگری است، همان‌گونه که صفت خالقیت و رازقیت هم که صفات فعلی خداوند است قابل مثل زدن است، چون غیر خدا هم می‌تواند رازق و خالق باشد و خدا بهترین آنهاست همان‌گونه که فرمود:

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴)

مبارک است خداوند که بهترین آفرینندگان است.

این نکته را هم اضافه کنیم که در آیه‌ای از قرآن کریم برای خداوند «مَثَلُ اعْلَى» نسبت داده شده، که منظور از مثل در این آیه نشانه‌ها و آیات تکوینی خداوند است و منظور از آن تشبیه و تمثیل نیست:

«وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (روم، ۲۷)

و برای اوست مثل والا در آسمان‌ها و زمین.

به‌هرحال، مثلی که در آیه مورد بحث برای نور خدا زده شده، یک چراغ پرفروغ است، که از تمام جهات زمینه برای فروغ بیش‌تر آن فراهم است.

هرچند که در این آیه نور خدا به چراغدان «مشکاء» مثل زده شده، ولی معلوم است که آنچه مورد نظر است، نور چراغی است که در آن چراغدان قرار دارد. مشکات که در این آیه آمده، در اصل به معنای شکاف مخصوصی است که در قدیم در دیوار خانه ایجاد می‌شد و چراغ در آن قرار داده می‌شد و برای نورانیت بیش‌تر، در اطراف آن شیشه یا آینه قرار داده می‌شد، که نور چراغ را منعکس کند.

در این‌جا با یک سلسله تعبیرات لطیف و گوش‌نواز، این مثل را تشریح می‌کند:

مَثَلُ نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی است، آن چراغ در بلور و آبگینه‌ای است و آن بلور گویا

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۵۵.

۲. این روایت را در: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۷۹ به بعد ببینید.



ستاره‌ای تابناک است، که از درختی پربرکت زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود، روغن آن می‌درخشد هرچند که آتشی بدان نرسد، نوری بالای نور است و خدا هرکس را که بخواهد به‌سوی نور خود هدایت می‌کند.

روغن این چراغ بسیار صاف، زلال و ناب است و آن از درخت پربرکت زیتون است، درختی که نه شرقی و نه غربی است، یعنی این درخت در طرف شرق و یا غرب یک حائلی، مانند دیوار یا کوه قرار ندارد، که نور کم‌تری به آن بتابد، بلکه در جایی است که همواره و از اول طلوع آفتاب تا غروب آن، نور خورشید نوازشگر آن است.

مفسران، عبارت «لاشرقیه و لا غربیه» را به همین صورت معنا کرده‌اند که گفته شد، ولی به‌نظر می‌رسد که منظور از آن، بی‌مانند بودن آن درخت در دنیا است، درختی است که نظیر ندارد، چون در توصیف آن گفته شده که روغن آن بدون این‌که آتش به آن برسد، مشتعل می‌شود و ما در دنیا چنین روغنی نداریم. بنابراین، درخت مورد نظر یک درخت فرضی است که در مقام تمثیل فرض شده است، مانند تشبیه به ماه بی‌غروب یا سرو بی‌خزان.

این درخت درختی رشید و استوار است که صاف‌ترین روغن‌ها از آن استحصال می‌شود و روغن آن آن‌چنان صاف و زلال است که خود به‌خود و بی‌آن‌که شعله‌ای به آن برسد، روشن است. معلوم است که وقتی فتیله چراغی با این روغن خالص شعله‌ور شود، نور صاف و خالص ایجاد می‌کند و به دود و جرقه آلوده نیست. در واقع چراغی که در این محل خاص و با این روغن خالص روشن شود، نوری بالای نور است.

این‌که در این آیه خداوند در بیان فروغ نور خویش، نور چراغ را مثل می‌زند و نور خورشید را که به مراتب از آن نورانی‌تر است مثل نمی‌زند، شاید بدان‌جهت باشد که نور خورشید پس از طلوع آن تاریکی را به‌تدریج و به‌طور نامحسوس از میان می‌برد، ولی نور چراغی که در ظلمت شب روشن می‌شود، ظلمت را یک‌باره از بین می‌برد و این محسوس‌تر است. دیگر این‌که نور چراغ نوری است که بشر خودش آن را ایجاد می‌کند، ولی نور خورشید چنان نیست؛ لذا نور چراغ برای او مأنوس‌تر است.

بلافاصله پس از ذکر این مثل می‌فرماید: خداوند هرکس را بخواهد به‌سوی نور خود هدایت می‌کند. منظور از این نور همان ایمان است و خداوند افرادی را که خود را در معرض این نور قرار دهند، هدایت می‌کند.

پس از این بیان، اضافه می‌کند که خداوند این مثل‌ها را برای مردم می‌زند و خداوند به همه چیز داناست، یعنی زدن این مثل‌ها برای مردم که فهم مطلب عمیق را آسان می‌سازد و معقول را همچون محسوس می‌کند، ناشی از علم گسترده خداوند است.



چکیده

با بررسی آیه «الله نور السموات و الارض» به موارد زیر دست پیدا می‌کنیم:

نور در این آیه اضافه شده به سماوات و ارض است؛ از این رو نمی‌تواند از اسماء الله باشد.

نور در این آیه به عنوان یکی از صفات افعال خداوند مانند خالق و رازق ذکر شده، چون صفات افعال اضافه پذیرند.

از آن جا که نور مربوط به صفت فعل می‌باشد، پس نور در این جا به معنای هدایت و یا هدایتگری و یا روشنی بخشی است. با توجه به این معنا، می‌توان وجود پیامبر اسلام و یا قرآن و یا معصومین را مظهر این صفت فعلی خداوند دانست.

در روایات متعددی، «نور»، «مشکوئه»، «زجاجه» و «مصباح» با وجود پیامبر، فاطمه، علی، حسن و حسین (علیه السلام) و علم آنان تأویل و یا تطبیق داده شده، که بیانگر همان معنای هدایتگری و از باب جری و تطبیق و یا تمثّل است. تمثیل ذکر شده در ادامه آیه مثلی برای ذات او نیست، بلکه مثلی برای یک صفت فعلی اوست، که همان هدایتگری است.

منظور از عبارت «زیتونه لاشرقیه و لا غربیه» درخت مخصوص و بی‌مانند در دنیاست، که هیچ نظیر ندارد.

بنابراین، درخت مورد نظر یک درخت فرضی است که در مقام تمثیل فرض شده است، مانند تشبیه به ماه بی‌غروب یا سرو بی‌خزان.